

تازه از سال ۱۹۳۶ - یعنی از سی سالگی - خودش را در بست وقف عکاسی کرد و در سوئد به کار عکاسی صنعتی و عکاسی معماری پرداخت. کتاب هایی در زمینه ی فن عکاسی برای یک ناشر آلمانی تألیف کرد. اولین کتاب عکسش به نام «استکهلم» منتشر شد. کتاب بعدی عکسش «راه های تازه ی عکاسی» نام داشت که کار کرد فنون جدید عکاسی را در عمل نشان می داد. در دسامبر ۱۹۳۹ سوئد را به قصد آمریکا ترک گفت.

از سال ۱۹۴۰ عکاس خبری آژانس عکاسی بلاک استار شد. با ویراستار عکاسی مجله ی «لایف»، ویلسون هیگز، آشنا شد و همکاری اش را با این مجله آغاز کرد. یک سال بعد، از کار با آژانس خبری بلاک استار دست کشید و از سال ۱۹۴۳، یکی از کارکنان دائمی مجله ی «لایف» شد و مجموعاً ۳۴۶ مأموریت خبری برای این مجله انجام داد. به ترغیب ویراستار عکاسی مجله، ویلسون هیگز، کتاب «فایننگر درباره ی عکاسی» را منتشر کرد.

در سال ۱۹۵۹ با اتومبیل، سفری به دور اروپا انجام داد و از فرانسه، ایتالیا، آلمان، دانمارک، سوئد، نروژ، هلند و بلژیک گذشت. حاصل این سفر، کتاب عکسی بود با عنوان «انسان و سنگ».

در سال ۱۹۶۲، باز سفر مشابهی کرد و از فرانسه، آلمان و کشورهای اسکاندیناوی گذشت و از عکسهای این سفر کتابی فراهم کرد با عنوان «درختها».

برای تکمیل عکسهای کتاب «درختها»، سفری به دور ایالات متحده انجام داد و با

معرفی عکاس

آندریاس فایننگر،

عکاس معمار

در ۲۷ دسامبر ۱۹۰۶ در پاریس متولد شد. پدرش لیونل فایننگر، متولد نیویورک بود و پدر بزرگش از دورلاخ در بادن آلمان به آمریکا مهاجرت کرده بود، در ۱۸۴۸. از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۲ در آلمان، در شهرهای زلندورف و وایمار، به مدرسه می رفت. در ۱۹۲۵ به مدرسه ی فنی وایمار رفت و در ۱۹۲۸ در رشته ی معماری فارغ التحصیل شد. به عکاسی علاقه مند شد و پایه ی فن عکاسی را فرا گرفت و تاریکخانه ای در زیرزمین خانه اش دایر کرد. در سال ۱۹۳۲ به پاریس رفت و آنجا به کار معماری پرداخت و در عین حال در خیابان های پاریس گشت می زد و با یک دوربین لایکا عکسهایی می گرفت. سال بعد به استکهلم سوئد رفت و آنجا ازدواج کرد.

اتوموبیل، مسافتی معادل یازده هزار مایل را طی کرد.

در سالهای ۱۹۶۹ و ۱۹۷۱ هم سفرهایی با اتوموبیل به دور اروپا انجام داد.
از سال ۱۹۷۲ در دانشگاه نیویورک به تدریس عکاسی پرداخت.

نمایشگاه‌های تک نفره

● فستیوال هنری نیوهیون. نیوهیون،

کانکتیکت.

● ۱۹۶۸: موزه‌ی هکشر، هانتینگتون، لانگ

آیلند، نیویورک.

● ۱۹۷۰: موزه‌ی اوکلند، اوکلند، کالیفرنیا.

● ۱۹۵۷: موزه‌ی تاریخ طبیعی آمریکا،

نیویورک، «آناطومی طبیعت»، از ژانویه تا مارس.

● مؤسسه‌ی پرات، بروکلین، نیویورک.

● اسمیتسونین انیستیتوشن، واشنگتن،

«آناطومی طبیعت».

این نمایشگاه بعداً در ۲۶ موزه و آموزشگاه

مختلف در سراسر ایالات متحده برگزار شد.

● ۱۹۶۱: گالری کارل سیمباب، بوستون،

ماساچوست.

● ۱۹۳۸: مدال برنز عکاسی (فوتوگرافیسکا

فورننگن)، استکهلم، سوئد.

● ۱۹۵۹: یادنامه‌ی افتخاری هنر، ایالات

متحده‌ی آمریکا.

● ۱۹۶۵: مدال طلای باشگاه کارگردانان

هنری واشنگتن، ۲۲ مه ۱۹۶۵.

● ۱۹۶۶: جایزه‌ی رابرت لیویت، انجمن

آمریکایی عکاسان مجله «درستایش از

همکاری مستمر او با مطبوعات به عنوان یک

عکاس مجرب و برای تفکر اصیل و برای

کتاب‌های با ارزشی که منبع الهام و راهنمای

عکاسان سراسر دنیا است.»

● گالری هاینز هلد، کلن، آلمان.

● ۱۹۶۳: اسمیتسونین انیستیتوشن،

واشنگتن. «دنیا از چشم من»، اکتبر - دسامبر.

● لاندسبیلدستل، هامبورگ، آلمان، آوریل.

● ۱۹۶۵: اتحادیه‌ی هنری کمبریج،

کمبریج، ماساچوست. نوامبر - دسامبر.

● ۱۹۶۷: کالج ترینیتی، هارتفورد،

کانکتیکت، اکتبر.

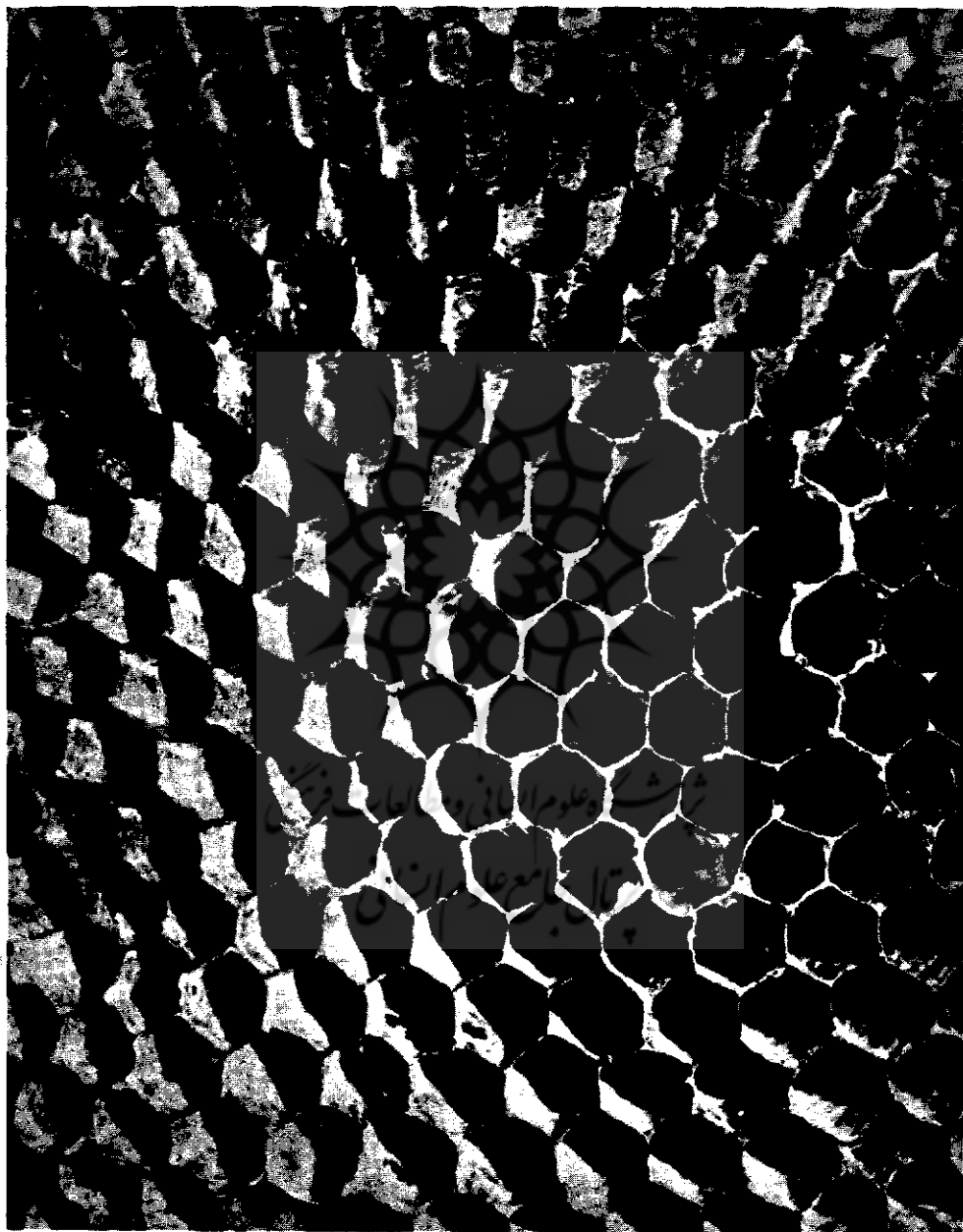
طبیعت

طبیعت آینه ای است پیچیده و متحرک که ما
برای دریافتن هر آنچه می‌خواهیم از انسان و خدا
بدانیم، به آن می‌نگریم. تماشاگر دقیق که نیروی
تخیل خلاقه‌اش را به کار می‌اندازد، زمان، شکل و
حرکت را در این عکسها زنده و بویا می‌بیند:

زمین باران خورده، نیومکزیکو، ۱۹۵۲.



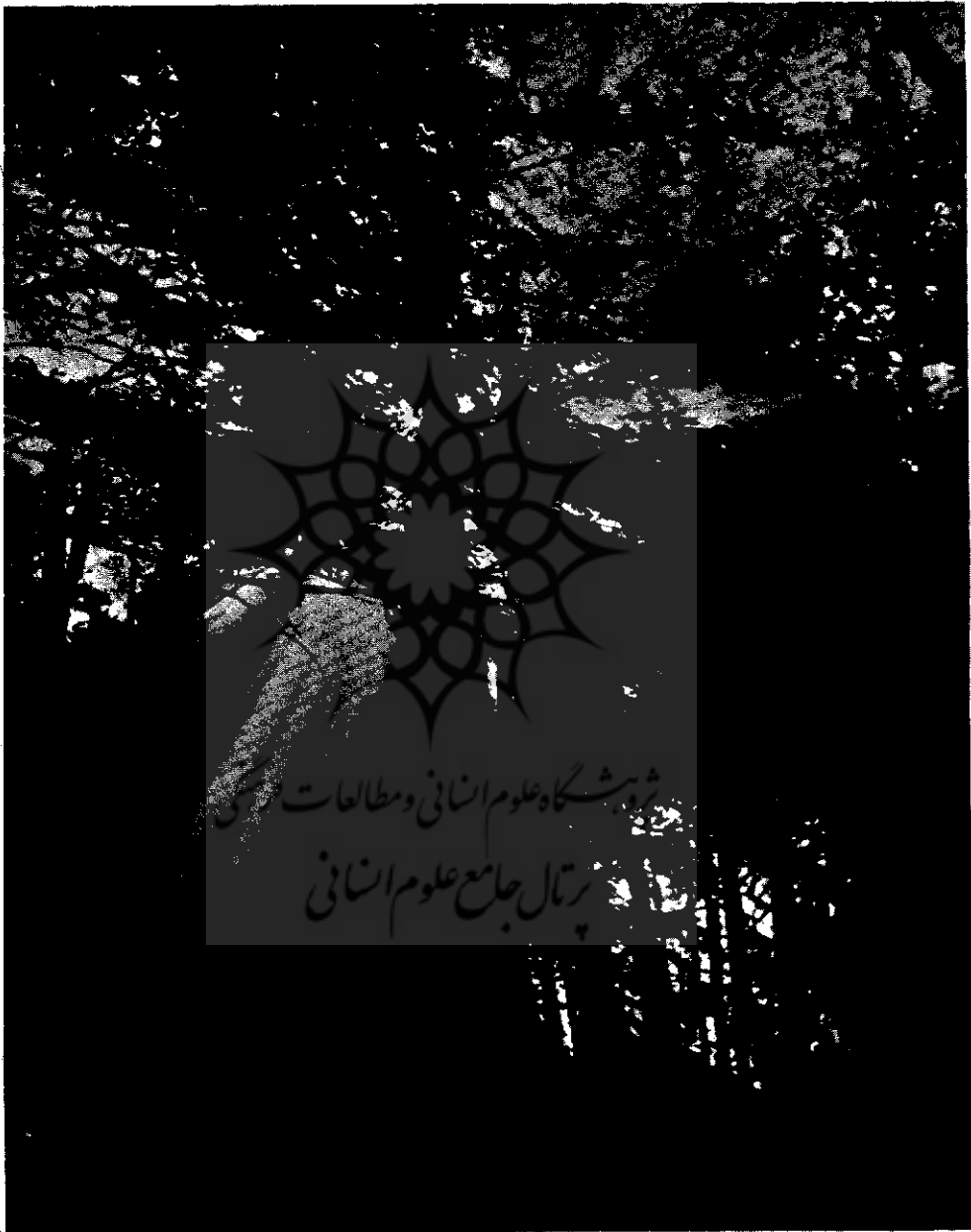




درخت‌ها

زیر درختی بنشینید تا این که کلام از ذهن‌تان
پاک شود و در هوای خالی و پاکیزه رنگ ببازد.
درخت باشید:

بامداد جنگل، ۱۹۵۱.





انسان‌ها

انسان‌ها با چهره‌هایی که برای خودشان می‌سازند سیمای دیگری می‌گیرند و رد گم می‌کنند، ولی چیزهایی که در برابر خود می‌گذارند، گاهی غرابت درونشان را آشکار می‌کند. ولی برخی از انسان‌ها زیاد در بند پنهانکاری نیستند. اینان کسانی هستند که با خودشان کنار آمده‌اند:

وقت ناهار، خیابان پنجم، نیویورک، ۱۹۵۰.









شهرها

هر باسوادى مى‌تواند ثابت کند که ده از یک
بیشتر است و گاو بزرگ تراز گوساله است. ولى وقتى
که پای ابعاد عظیم در کار است، این آدم باسواد و
همه‌ی ما در مى‌مانیم. فقط یک شاعر مى‌تواند نشان
بدهد که یک میلیون آدم یعنی چه، یا نشان بدهد که
یک ساختمان بزرگ چه اندازه بزرگ است. فقط
یک شاعر مى‌تواند نشان بدهد که زمین چیزى نیست
مگر یک مشت خاک و انسان‌ها چیزى نیستند مگر
سایه‌هایی گذرا بر روی خاک:

کولاک، خیابان پنجم، نیویورک، ۱۹۴۸.



